

Research Article

The Geopolitics of Iran's Energy and Foreign Policy in the 1370s¹

Hossein Masoodipour¹, Hossein Karimifard², Bahram Yoosefi³, Fereydoon Akbarzadeh⁴

¹ Ph.D. Student, Department of International Relations, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
h.massoudipour@gmail.com

² Associate Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
(Corresponding Author). hkarimifard@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
brmyousefi@gmail.com

⁴ Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to explore the geopolitics of Iran's energy resources and foreign policy in 1370s. The method of study is descriptive analysis and the results showed that the relationship between oil and foreign policy is one of the main subjects in international policy and regional security in the Middle East and that historically the price of oil has always been effective on the political structure of the countries with oil reserves. In the 1370s, in order to implement the economic development plans, there was a need for attracting foreign resources and capitals through the backup of international economic institutions. In that period of time, Iran's regional and international policy changed. Hāshimī Rafsanjānī had 2 fundamental objectives; first, to restore Iran's economic structure, and second, to improve Iran's relationship with international institutions. This issue paved the ground for a change in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Geopolitics, Energy, Foreign Policy, Iran, Energy Policy Making.

1. The present research article is extracted from: the Ph.D. thesis entitled: **The Geopolitics of Iran's Energy and Foreign Policy (1357-1396)**, by Hussiyūn Mas'ūdī Pūr, supervised by Hussiyūn Karīmī Fard, advised by Bahrām Yūsufī and Firiydūn Akbarzādīh, presented at Ahwaz Branch, Islamic Azad University.

* Received: 2020/10/27 ; Accepted: 2021/12/30

** Copyright © the authors

ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران در دهه ۱۷۰

حسین مسعودی‌پور^۱، حسین کریمی‌فرد^۲، بهرام یوسفی^۳، فریدون اکبرزاده^۴

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. h.massoudipour@gmail.com
^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). hkarimifard@yahoo.com
^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. brmyousefi@gmail.com
^۴ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران در دهه‌ی ۷۰ است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که رابطه نفت و سیاست خارجی یکی از موضوعات اصلی سیاست بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه می‌باشد و به لحاظ تاریخی قیمت نفت همیشه بر ساختار سیاسی کشورهای نفت خیز تأثیرگذار بوده است. در دهه ۷۰ برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، نیاز به جذب منابع و سرمایه‌های خارجی در چارچوب حمایت نهادهای اقتصادی بین‌المللی وجود داشت. در این دوران، سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ایران تغییر کرد. هاشمی رفسنجانی دارای دو هدف بنیادین بود، اول آنکه ساختار اقتصادی ایران را بازسازی کند، دوم، آن رابطه ایران با نهادهای بین‌المللی را ارتقاء دهد. این امر، زمینه تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به وجود آورد.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، انرژی، سیاست خارجی، ایران، سیاست‌گذاری انرژی.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری، حسین مسعودی‌پور، با عنوان: ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران (۱۳۹۶-۱۳۵۷)، استاد راهنما: حسین کریمی‌فرد، اساتید مشاور: بهرام یوسفی و فریدون اکبرزاده، ارائه شده در واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

۱. مقدمه

موفقیت سیاست خارجی ایران به طور گریزناپذیری در پیوند با موضوع نفت است. این موفقیت در بهترین حالت، زمانی به دست آمده که سیاست خارجی کشور با موازین نظام بین‌الملل و منطقه سازگاری داشته است. در پرتو این سازگاری است که امنیت ملی و رشد اقتصادی کشور ارتقاء می‌یابد. حفظ سطح مناسبی از قیمت و تولید که می‌تواند موتور رشد اقتصادی و برتری منطقه‌ای باشد، در گرو جلب همکاری بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای و برآورده نمودن انتظارات صلح و امنیت آنان می‌باشد.

همان‌گونه که درآمدهای نفتی به عنوان عامل اصلی شکل‌گیری دولت رانتیر در حوزه سیاست داخلی به شمار می‌رود، هرچه درآمدهای کشورهای صادرکننده نفت افزایش بیشتری داشته باشد، احساس خوداتکائی آنان افزایش می‌یابد. همچنین در عرصه سیاست خارجی نیز افزایش قیمت نفت منجر به اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری و کنش‌گری بیشتری می‌شود.

به این ترتیب، هرگاه قیمت نفت افزایش یابد، جلوه‌هایی از تأثیرگذاری بر سیاست خارجی کشورها آشکار می‌شود. کشورهایی که صادکننده کالاهای استراتژیک هستند، از این طریق می‌توانند هزینه‌های کنش‌گری خود را در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین کنند. از سوی دیگر، افزایش قیمت نفت معادله اقتصاد سیاسی جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا از طریق درآمدهای ناشی از فروش نفت، زمینه خرید تسلیحات و ابزارهای مدرن و دستیابی به تکنولوژی‌های چند منظوره به وجود می‌آید.

این روند در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت. ابتکار تعامل با آمریکا در چارچوب مذاکره امنیتی با مک‌فارلین،^۱ در شرایطی انجام گرفت که قیمت نفت در پایین‌ترین حد خود طی ۳۷ سال گذشته قرار گرفته بود. تئوری گفت‌وگوی تمدن‌ها و تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز مربوط به شرایطی است که قیمت نفت در حدود ۲۰ دلار بود. این امر بیانگر رابطه معنادار بین سیاست خارجی و منابع انرژی است. روندی که از سال ۲۰۰۰ منجر به افزایش قیمت نفت شد، سیاست خارجی بسیاری از کشورها از جمله ایران را تحت تأثیر قرار داده و مفاهیم گفتمان مقاومت را بازتولید کرده و ارتقاء داده است (متقی، ۱۳۸۹).

1. McFarlane

۲. هدف اصلی پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی و شناخت ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران در دهه‌ی ۷۰، یعنی دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و سید محمد خاتمی است.

۳. سوال پژوهش

ژئوپلیتیک انرژی چه تاثیری بر سیاست خارجی ایران در دهه‌ی ۷۰ داشته است؟

۴. فرضیه پژوهش

جذب سرمایه‌های خارجی به منظور نوسازی و توسعه بخش انرژی، تثبیت قیمت‌ها و تأمین امنیت انرژی، موجب تأثیر در روابط سیاست خارجی و انرژی بین ایران و دیگر کشورها شد.

دولت اصلاحات تلاش داشتند تا توسعه اقتصادی کشور را تسریع، امنیت ملی را تضمین و جایگاه کشور را در بازارهای جهانی انرژی ارتقاء بخشند.

۵. نوآوری پژوهش

مقالات و کتب مختلفی به زبان‌های فارسی و انگلیسی پیرامون سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک انرژی نوشته شده است. این مقالات به بررسی جنبه‌های مختلف سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف پرداخته‌اند. به طور مثال تأثیر دولت رانتی و عدم توسعه‌یافتگی را بررسی کرده‌اند، اما به تأثیر ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی، به خصوص در بازه‌ی زمانی دهه‌ی ۷۰ توجه چندانی نشده که در این پژوهش تلاش می‌شود، به این شکاف پژوهشی پرداخته شود.

۶. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند.

۷. پیشینه تحقیق

در ارتباط با ژئوپلیتیک، دیدگاه‌ها و متون متعددی طرح و منتشر شده که با توجه به

رویکرد پژوهش حاضر که بر ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی استوار است، می‌توان آنها را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱) متونی که به ژئوپلیتیک انرژی و چالش‌ها و تحولات آن پرداخته‌اند. در این متون نویسندگان، ژئوپلیتیک انرژی را به عنوان متغیر اصلی در نظر گرفته و به نقش مهم خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی اشاره کرده و چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیک انرژی را توصیف کرده‌اند. از جمله:

گونزالو اسپیرانو^۱ (۲۰۱۸)، هان گری هارت^۲ (۲۰۱۴)، رفال هرئویوکی^۳ و آلفونسو جوردانو^۴ (۲۰۱۸)، کریس لو^۵ (۲۰۱۸).

۲) متونی که به رابطه ژئوپلیتیک با سیاست خارجی پرداخته‌اند. در این متون به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها نسبت به ژئوپلیتیک نفت پرداخته و آن را جزء لاینفک اقتصاد دانسته‌اند. در این خصوص نیز می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

برکشلی (۱۳۹۴)، میرترابی (۱۳۹۳)، اطاعت و نصرتی (۱۳۹۲)، کرمی و همکاران (۱۳۹۷)، قالیباف و همکاران (۱۳۹۳)، محمدزاده (۱۳۹۴).

۳) متونی که به ژئوپلیتیک و امنیت انرژی پرداخته‌اند. در این متون به بررسی امنیت انرژی و ژئوپلیتیک انرژی، تحولات و فرایندهای جاری و پیامدهای شگرف و مستقیمی که بر امنیت و منافع ملی کشورها به خصوص در گستره‌ی حیات فرهنگی - سیاسی آنها دارد، پرداخته شده است. از جمله:

محرابی و همکاران (۱۳۹۲)، ترکمان (۱۳۹۲)، مهدیان و فخری (۱۳۹۱)، دبینگ فنگ^۶ و همکاران (۲۰۱۸)، اوله گونار آستویک^۷ (۲۰۱۸)، یزدانی و شجاع (۱۳۸۶).

چنانکه ملاحظه می‌شود عمده متون موجود از حیث تعریف نوع رابطه بین متغیرهای

-
1. Gonzalo Spirano
 2. Han Gary Hart
 3. Refal heruuki
 4. Alfonso Giordano
 5. Chris Lou
 6. Debing Fang
 7. Ule gonar astuik

پژوهش، با پژوهش حاضر متفاوت هستند. بدین معنا که عمدتاً به انرژی و سیاست خارجی و یا امنیت ملی توجه شده و از عامل «ژئوپلیتیک انرژی» و «دوران دهه‌ی ۷۰» کمتر سخن به میان آمده که نوآوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

۸. تعاریف مفهومی

۸-۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک به عنوان تحلیل تعامل میان زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرآیندهای سیاسی از سوی دیگر مطرح است. زمینه‌ها از ویژگی و الگوهای جغرافیایی و «مناطق چند لایه» منتج از آنها، ترکیب یافته‌اند. «فرایندهای سیاسی» نیز شامل نیروهای در سطوح بین‌المللی و داخلی (که بر رفتار بین‌المللی تأثیرگذار هستند) می‌شوند. زمینه‌های جغرافیایی و فرایندهای سیاسی هر دو پویا بوده و بر یکدیگر تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند. در این رابطه، ژئوپلیتیک پیامدهای این تعامل را مورد بررسی قرار می‌دهد (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). با این توصیف می‌توان ژئوپلیتیک را مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به ویژه رقابت بین قدرتهای بزرگ و اصلی تعریف نمود (تیلور، ۱۹۹۴، ص ۲۵).

۸-۲. ژئوپلیتیک انرژی

ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه نقش انرژی، جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست، قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد. انرژی‌های فسیلی به ویژه نفت خام و گاز طبیعی از آن حیث که در فهرست انرژی جهان، سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۷). انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک جایگاه ویژه‌ای را در بازی‌های قدرت‌های نظام جهانی باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهانی، اهمیت راهبردی دارد (مهدیان و فخری، ۱۳۹۱، ص ۴۷).

۹. مبانی نظری

در ارتباط با متغیر اصلی پژوهش حاضر - یعنی سیاست خارجی - نظریه‌های مختلفی بیان شده که پذیرش هر یک در تبیین نوع رابطه سیاست خارجی با ژئوپلیتیک مؤثر است.

با این توضیح مهم‌ترین رویکردهای نظری عبارتند از:

۹-۱. نظریه آلفرد ماهان^۱

اهمیت جایگاه ایران در نظریات ژئوپلیتیک، بویژه قدرت دریایی ماهان، ناشی از این واقعیت است که این کشور، از طریق خلیج فارس و دریای عمان به دریای آزاد راه دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۵۷) و دارای موقعیت گذرگاهی است. با توجه به اینکه مکیندر^۲ در نظریه خود مناطق اطراف هارتلند^۳ و منطقه ژئواستراتژیک بری^۴ را به دو ناحیه، هلال داخلی و هلال خارجی تقسیم می‌کند و ایران را قلب منطقه خاورمیانه و فلات ایران را به عنوان بخشی از هلال داخلی به حساب می‌آورد، از این رو به دلیل رقابت قدرت زمینی برای راه‌یابی به هلال داخلی، جایگاه ایران در این نظریه مهم تلقی می‌شود (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴).

۹-۲. نظریه نیکولاس اسپایکمن^۵

اسپایکمن اعتقاد داشت که هر کس بر ناحیه ریملند کنترل داشته باشد، می‌تواند سرنوشت جهان را رقم بزند. در نظریه اسپایکمن کشورهایی که از یک سو به دریا و از سوی دیگر به خشکی متصل بوده و هویت‌های دوگانه داشتند، اهمیت شایان توجهی دارا بودند، با توجه به اینکه این گونه کشورها طبیعتی دوگانه دارند، قدرت‌های بری و بحری هر دو آنها را به سمت خود می‌کشند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲). مطابق نظر او، سواحل ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز به ایران موقعیت ریملندی می‌دهد و بنابراین می‌تواند از امتیاز قدرت‌های بری و بحری به صورت توأمان برخوردار گردد.

۹-۳. نظریه جفری کمپ^۶

جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند ژئوپلیتیک یاد کرده (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۶، ص ۷۳) و ایران را در مرکز بیضی استراتژیک انرژی (هم

1. Alfred Thayer Mahan

2. Makinder

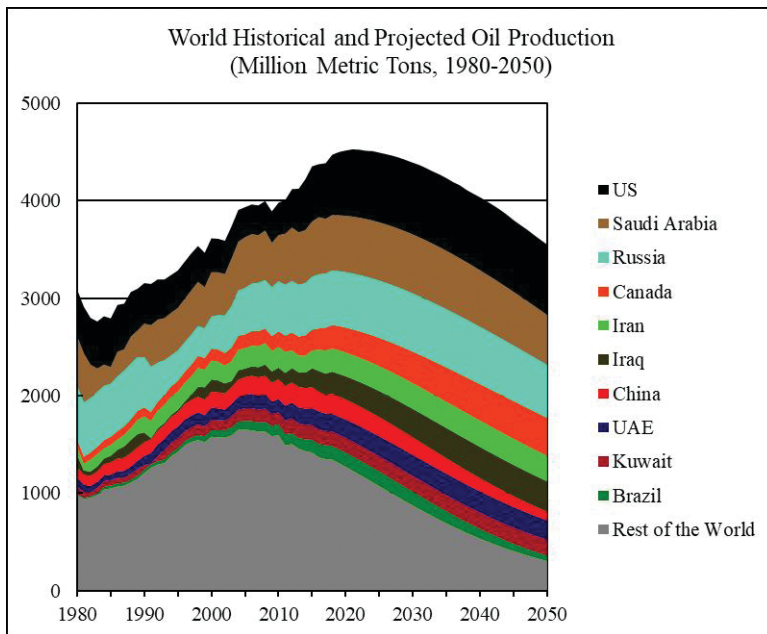
3. Hatland

5. Nicholas Spykman

6. Jeffrey Camp

نفت و هم گاز) می‌دانست. به نظر او این سرزمین قلب، محل اتصال قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا نیز است. طبق برآوردها، اقتصاد جهانی تا آینده قابل پیش‌بینی همچنان به انرژی نفت وابسته خواهد ماند. این در حالی است که میزان تقاضای جهانی نفت از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ سالانه ۱/۹ درصد افزایش خواهد یافت که بیشترین رشد طی این دوره به ترتیب مربوط به کشور چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی و پاسیفیک خواهد بود. البته همچنان کشورهای آمریکای شمالی، بیشترین میزان تقاضای جهانی انرژی را به خود اختصاص خواهند داد، به طوری که در سال ۲۰۳۰ تقاضای این کشورها حدود ۳۰/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود که رقمی حدود ۲۷ درصد تقاضای جهانی نفت می‌باشد.

نمودار ۱- میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت جهانی تا سال ۲۰۵۰



۱۰. یافته‌های تحقیق

۱۰-۱. تاثیر ژئوپلیتیک انرژی بر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران

ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی اثربخش و کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجود آمده از وضعیت و موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و

جهانی تأکید دارد. هر دولتی در فضای جغرافیایی خاص، دارای منافع خاصی است که آنها را در عرصه بین‌المللی پیگیری می‌کند. به عبارت دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند محتوا، جهت‌گیری و حتی اهداف سیاست خارجی خود را مستقل از بستر ژئوپلیتیک خود طراحی و هدایت کند. به عنوان مثال قرار گرفتن ایران در «چهار راه حوادث» جهان باعث شده تا امکان اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی آن در زمان رویدادهای مهم منطقه‌ای غیرممکن شود (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸).

منافع روسیه و چین در بلندمدت در گرو عدم حضور فعال شرکت‌های مطرح نفت و گاز اروپایی و آمریکایی در بخش نفت و گاز کشورهای قلمرو خاور نزدیک بزرگ به ویژه کشورهای حوزه دریای مازندران، تضمین انرژی مورد نیاز چین از طریق سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز کشورهای مذکور و حفظ کمربند امنیتی روسیه از طریق عدم نفوذ آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه است.

در چنین شرایطی اتخاذ دیپلماسی فعال و هوشمندانه در حوزه انرژی از سوی ایران بسیار تعیین‌کننده و دارای آثار متعدد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در سطح منطقه و جهان خواهد بود. لذا منافع ملی اقتضاء می‌کند که با حفظ اصول عزت، حکمت و مصلحت، ایران نقشی موثر و فعال در زمینه همکاری‌های منطقه و جهانی در خصوص افزایش تولید و تجارت (صادرات، واردات، سوآپ^۱، ترانزیت و معاوضه) نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی ایفا کند. چراکه ایفای نقش فعال در حوزه انرژی در سطح منطقه و جهان با کشورهای مهم تولیدکننده و مصرف‌کننده از سوی ایران همان اندازه که می‌تواند در ارتقای سطح امنیت ملی از اهمیت حیاتی برخوردار باشد، اتخاذ سیاست‌های انفعالی در دیپلماسی خارجی انرژی می‌تواند موجبات تضعیف امنیت ملی و بروز تنش‌های منطقه‌ای و جهانی علیه ایران را فراهم سازد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۵).

۱۰-۲. سیاست خارجی ایران در دهه ۷۰

۱۰-۲-۱. دوران هاشمی رفسنجانی

اولویت سیاسی خارجی ایران در دوره سازندگی را در موارد زیر می‌توان بیان نمود:

الف) توازن‌سازی در جنوب

ایران که پس از پایان جنگ با عراق، نگران بود از ترتیبات امنیتی خلیج فارس توسط شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا کنار گذاشته شود، در صدد برآمد با مهم‌ترین کشور شورای همکاری، یعنی عربستان نقش‌زدائی نماید. مناسبات قطع شده دو کشور پس از تظاهرات خونین حج در سال ۱۹۹۱ در مسقط، به پایان رسید. دیدار ولایتی از کویت در سال ۱۹۹۰ هم گواهی این مدعا بود که ایران حاضر است از حامیان مالی صدام در جنگ علیه خود بگذرد. دولت رفسنجانی با اعلام بی‌طرفی در جنگ اول خلیج فارس، روابط خود را با دولت تبعیدی کویت نیز ادامه داد که متعاقب ژست جدید ایران، روابط با اعراب خلیج فارس رو به بهبود رفت.

ب) توازن‌سازی در شمال

در شمال، گسترش روابط اقتصادی-سیاسی با روسیه و اتحادیه اروپا دنبال شد. دولت سازندگی در نگاه به شمال ایران خواهان استقرار رژیم‌های باثبات در جمهوری‌های تازه تأسیس بود، تا از این رهگذر ضمن پائین آوردن تهدیدهای محتمل، منافع مادی و منزلتی خود را نیز در این کشور دنبال کند.

گسترش سازمان اکو و عضویت کشورهای تازه تأسیس آسیای میانه در آن مبتنی بر قدرت‌سازی و منفعت‌خواهی ایران در آن مناطق بود. گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با روسیه که حتی قبل از فروپاشی شوروی در پی سفر هاشمی رفسنجانی در آن کشور بسترسازی شده بود، توانست هم راه نفوذ ایران را در کشورهای تازه تأسیس افزایش دهد و هم به ایجاد توازنی دیگر در برابر آمریکا منجر شود. از سوی دیگر، گسترش روابط با روسیه که مورد درخواست آن کشور نیز بود، برای تحکیم و توسعه صنایع ملی و توان‌بازدارندگی دفاعی ایران یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آمد. اتحادیه اروپا دومین بازیگر در شمال بود که جمهوری اسلامی ایران در صدد گسترش روابط سیاسی و تعمیق روابط اقتصادی با آن برآمد (موسوی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵).

اهداف سیاست خارجی ایران در دوران آقای رفسنجانی همانند دوران گذشته دارای دو بعد ملی و فراملی بود. اما در هر دوره‌ای میزان اولویت هر یک از این دو بعد، با یکدیگر متفاوت بوده است. با رو به پایان رفتن دوران جنگ و با توجه به نظریه ام‌القری و تاکید بر

نقش کانونی و مرکزی ایران در جهان اسلام، اهداف فراملی سیاست خارجی ایران به سوی اهداف ملی متمایل شد. البته اهداف فراملی در بطن اصول سیاسی ایران و قانون اساسی نهفته است و دارای اهمیت می‌باشد (آقایی، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

اما بایستی به متعادل بودن اهداف و ابزار دقت کافی مبذول داشت (کندی، ۱۹۹۱). این بدین خاطر است که عدم تعادل در هر یک از اهداف و ابزار، منجر به انحراف در کسب منافع خواهد شد.

۱۰-۲-۲. دوران خاتمی

سیاست خارجی ایران در این دوران از جنبه اقتصاد محور خارج شده و توسعه سیاسی جنبه اساسی یافت. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت رویکرد تنش‌زدایی با دیگر کشورهای جهان وارد مرحله جدیدی از تاریخ سیاست خارجی خود شد. به طور کلی اصول سیاست خارجی خاتمی بر سه اصل استوار بود:

(۱) اصل عزت، حکمت و مصلحت،

(۲) تنش‌زدایی،

(۳) گفتگوی تمدن‌ها (دبیرزاده، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰).

این سیاست همچنین حذف زور در روابط بین‌الملل، عدالت، تساوی و هوشیاری در برابر تهدیدات را اصل اساسی خود قرار می‌دهد. بنابراین، گسترش روابط با همه ملت‌ها و کشورهای جهان براساس احترام متقابل و منافع مشترک، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، تاکید بر نهادینه شدن حقوق بین‌الملل، تلاش در جهت کاهش تنش در منطقه، تقویت انسجام و وحدت کشورهای اسلامی و غیر متعهد از جمله اهداف سیاست خارجی این دوران به شمار می‌رود (تاجیک، ۱۳۸۳، ص ۵۴).

رفتار خارجی مسالمت‌گرا و تنش‌زدا در عرصه دو جانبه‌گرایی و گفتگوی تمدن‌ها در عرصه چند جانبه‌گرایی مورد توجه قرار گرفت. در واقع با الهام از نظریه پیوند مطرح شده از سوی روزنامه تحولات داخلی از قبیل حاکمیت گفتمان توسعه سیاسی - فرهنگی، ارتقای فرهنگ مشارکت‌پذیر در نظام مردم‌سالار دینی، شعار ایران برای همه ایرانیان، سیاست

مصون‌سازی فرهنگی، تساهل و تسامح فرهنگی، قانون‌گرایی، رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و اهتمام به تعامل بین مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی موجب شد سیاست اعتمادسازی ایران در عرصه سیاست خارجی از سوی سایر کشورها پذیرفته شود و نگرش مثبت و خوشبینانه ایران نسبت به جامعه مدنی بین‌المللی مورد پذیرش قرار گیرد.

در این دوران، سیاست چندجانبه‌گرایی بین‌المللی در بطن سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت، جلب و جذب سرمایه‌های خارجی از رهگذر اعتمادسازی مورد عنایت واقع شد، به موازات تاکید بر جامعه مدنی بین‌المللی، دیپلماسی غیر دولتی مورد اهتمام قرار گرفته و با توجه به رویکرد واقع‌گرایانه به نظام بین‌الملل، از درگیری ایدئولوژیک پرهیز و همزیستی مسالمت‌آمیز در دستور کار قرار گرفت (تحقیقی، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

۱۰-۳. نفت و گاز و سیاست‌گذاری انرژی ایران در دهه ۷۰

۱۰-۳-۱. دولت هاشمی

دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی را می‌توان مقارن با شدت گرفتن فرآیند جهانی شدن در غرب و سرآغاز ورود آن به کشورهای در حال توسعه دانست. در این دوران پرتلاطم که برخی جناح‌های سیاسی به جهانی شدن نگاه منفی داشتند، دولت هاشمی بیش از هر چیز به وجه مثبت جهانی شدن یعنی دستاوردهای اقتصادی آن می‌اندیشید. همچنین توسعه روابط سیاسی با دولت‌ها، جای خود را به توسعه روابط اقتصادی سیاسی داد. حتی تلاش شد تا روابط سیاسی از روابط اقتصادی متمایز گردد. مصداق بارز این مسئله را در روابط با آمریکا می‌توان ملاحظه کرد، در حالی که دو کشور با یکدیگر روابط سیاسی نداشتند، روابط اقتصادی خود را پی گرفتند و ایران متقاضی حضور شرکت‌های نفتی آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در ایران شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره این چرخش در سیاست خارجی اظهار داشتند: «تعدیل فقط در اقتصاد نبود، مثلاً در سیاست خارجی هم قائل به تعدیل بودم. معتقد بودم که سیاست خارجی مان و روابط با کشورها بایستی متعادل شود» (اتفاق فر و زیباکلام، ۱۳۸۷، ص ۳۶). همچنین ایران روابط اقتصادی خود با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی را فعال‌تر ساخت. سازمان آکو که تا قبل از دوران هاشمی فعالیت چندانی نداشت، با آغاز این دوران و شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه مقامات ایرانی قرار گرفت (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

با تغییر رویکرد جمهوری اسلامی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان اکو حیطه فعالیت خود را گسترش داد و در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیوستن جمهوری‌های تازه استقلال یافته به این سازمان، اعضای آن به ۱۰ کشور افزایش یافت. در طول دهه ۷۰، جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور فعال و نقش‌آفرین در سازمان اکو ظاهر شد. به طوری که نه تنها کارکردهای اقتصادی البته در سطح محدود، بلکه کارکردهای سیاسی و امنیتی قابل توجهی برای جمهوری اسلامی داشت و ایران توانست بر انزوای تحمیلی آمریکا بر خود فائق آید (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷).

با اتمام جنگ و روبه‌رویی با ویرانی‌های به‌جا مانده از آن و همچنین کاهش زیاد قیمت نفت افزایش روز به‌روز نرخ تورم همراه بود، دولت به ناچار بودجه اندک خود را هزینه سازندگی و بازسازی کشور می‌کرد. به عبارت دیگر، ضرورت‌های ناشی از جنگ و به طور کلی اوضاع داخلی که ایران را به اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه با سایر کشورها ترغیب می‌کرد، با تحولات گسترده در عرصه نظام بین‌الملل همزمان بود. استراتژی چندجانبه‌گرایی که برآمده از عمل‌گرایی دولت سازندگی بود، به گسترش روابط در سطوح کشورهای همسایه منطقه‌ای و بین‌المللی انجامید.

در دولت هاشمی، برای حل کاهش قیمت‌های نفت، استراتژی نزدیکی به دولت عربستان طراحی می‌شود، و به این ترتیب، دوره‌ای که متعاقب افزایش، قیمت نفت باثبات‌تر می‌شود، حاصل همکاری ایران و عربستان، و در سایه سیاست تنش‌زدایی زمینه‌سازی شده بود.

۱۰-۳-۲. دولت خاتمی

در دولت اصلاحات، در بُعد سیاست خارجی، از ابزار انرژی، به ویژه نفت جهت توسعه تعاملات با کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی استفاده شد. خاتمی معتقد بود که با توجه به موقعیت ژئواکونومی ایران به لحاظ انرژی، این کشور می‌تواند از طریق تعامل و نه تقابل با بازیگران اصلی انرژی جهان، توسعه اقتصادی کشور را تسریع، امنیت ملی را تضمین و جایگاه کشور در بازار جهانی انرژی را ارتقاء بخشد. چرا که نیاز کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نیاز متقابل است (اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵). استفاده از نفت به عنوان یک ابزار سیاست خارجی، نیازمند جایگاه مناسب کشور در

بازار جهانی نفت است. اهمیت و جایگاه خاص ایران در عرصه بین‌المللی انرژی، ناشی از حجم عظیم ذخایر هیدروکربوری و همچنین وابستگی شدید اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و به تبع آن تأثیر بخش نفت و گاز بر ابعاد سیاسی و امنیتی و اجتماعی کشور مبین ضرورت تدوین برنامه‌های استراتژیک و هدفمند در مسیر بهره‌برداری بهینه از این مزیت اصلی کشور، براساس نگاه به تجارب گذشته کشور است (همان، ص ۳۲۶).

۱۰-۴. تحلیل یافته‌ها

در قرن بیست و یکم، منابع نفت و گاز از اهمیت و جایگاه والاتری برخوردار شده است. در این دوره، جغرافیای انرژی یا انرژی‌سالاری و انرژی‌محور در روابط همه کشورهای جهان نقش اساسی دارد. کشور ایران هم، به دلیل واقع شدن در کانون دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر که بیش از ۷۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز) جهان را در خود جای داده است، نقش «ژئواکونومی» ویژه‌ای در قرن ۲۱ بازی خواهد کرد و در تأمین امنیت منطقه و همچنین کمک به استقرار صلح و ثبات بین‌المللی و در سده بیست و یکم یک نقش محوری خواهد داشت. بنابراین، ایران در برابر چالش‌های سیاسی و اقتصادی پیش‌رو در سطح منطقه و جهان، باید به تدوین یک دستور ژئوپلیتیکی بپردازد که هم جوابگوی مشکلات و مطالبات منطقه‌ای و جهانی باشد و به نحو بسیار مطلوب برآورنده منافع ملی (کاوایانی و ویسی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱). در این خصوص گزاره‌های راهبردی زیر درخور توجه است:

۱۰-۴-۱. افزایش ضریب پایداری در سیاست خارجی کشور

تاریخ دگرگونی‌های توسعه صنعت نفت در کشور، از زمانی که نفت برای اولین بار در ایران استخراج شد و بعدها با ملی شدن صنعت نفت و نهایتاً کودتای ۲۸ مرداد در ایران ادامه پیدا کرد، شواهد تاریخی غیر قابل انکاری برای اثبات ارتباط سیاست خارجی و انرژی وجود دارد. در پنج سال پیش از انقلاب اسلامی در ایران، با رشد تولید نفت ایران و افزایش قیمت نفت، باز هم سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای مصرف‌کننده انرژی به خصوص آمریکا، تأثیر زیادی بر اقتصاد و سیاست بین‌الملل ایران داشت. تا جایی که در سنجش ارتباط انرژی و سیاست، این مسأله یکی از مهم‌ترین علل ورشکستگی اقتصاد ایران و ایجاد زمینه رشد انقلاب اسلامی در ایران دانسته می‌شود (کوپر، ۱۳۸۷). طبق نظر

بسیاری از صاحب‌نظران داخلی ایران، بزرگ‌ترین مشکل توسعه صنعت نفت ایران، نه تنها وجود اختلاف جدی با کشورهای خریدار نفت و یا دارای تکنولوژی برتر توسعه این صنعت در جهان، بلکه عدم پایداری لازم سیاست خارجی ایران در سطح منطقه و بویژه کشورهای مزبور است. راه‌حلی که پیشنهاد برخی از صاحب‌نظران می‌باشد، ایجاد یک پایگاه تصمیم‌گیری کلان و بلند مدت در انرژی در قالب سندهای چشم‌انداز بلند مدت با ضمانت اجرای قابل اتکاء است، تا این تصمیمات از حالت فردمحوری و تأثیرپذیری از تحولات کوتاه مدت سیاست داخلی و یا خارجی خارج شود (پوراحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

نمونه تأثیرات ناپایداری سیاست خارجی بر توسعه صنایع نفت و گاز، ریسک بالای سرمایه‌گذاری است. به عنوان مثال شرکت‌های بین‌المللی سود تضمین شده سرمایه‌گذاری خود در کشورهای رقیب ایران در تولید انرژی مانند قطر، عربستان سعودی، عراق، خلیج مکزیک و... را بالاتر ارزیابی می‌کنند. حتی در صورتی که این سرمایه‌گذاری در ایران با توجه به ریسک سرمایه توجیه‌پذیر باشد، قوانین بین‌المللی مانند تحریم‌های ظالمانه آمریکا، این شرکت‌ها را از سرمایه‌گذاری در ایران باز می‌دارد. موضوعی که باید به نحوی مدیریت و حل گردد (پوراردبیلی، ۱۳۸۹).

۱۰-۴-۲. سرمایه‌گذاری و اتکاء بر توان داخلی برای تولید فرآورده‌های نفتی تا صادرات

نفت خام

سیاست جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به منابع نفتی، باید در پی یافتن روش‌های جدید در سیاست خارجی باشد که راه را برای تبدیل شدن به یک قطب مستقل قدرت، حداقل در خاورمیانه فراهم آورد. چرا که وجود بازارهای مصرف غیرقابل اعتماد نظیر چین یا وابستگی به نهادهایی نظیر اوپک که همواره تحت کارشکنی عربستان سعودی است، نمی‌تواند زمینه قوت ایران را در فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی انرژی فراهم کند. با پیروزی انقلاب اسلامی کاستی نظام نفتی وابسته، آشکار شد. ورشکستگی نظام بانکی به علت پرداخت بی‌رویه اعتبارات و خروج سرمایه از کشور، نخستین واکنش قابل پیش‌بینی اقتصاد بیمار و وابسته بود. سرمایه‌داران وابسته با احساس ناامنی، به فروش سرمایه‌های منقول و غیرمنقول خود پرداختند و مؤسسات تولیدی را به تعطیلی کشاندند (رزاقی، ۱۳۸۸،

ص ۹۳). تمام این شواهد نشان از ضرورت تقویت توان و تولید ملی دارد.

۱۰-۴-۳. رهاسازی سیاست خارجی از وابستگی نفتی و فعال شدن آن

وابستگی اقتصاد ایران به انرژی می تواند به دو طریق سیاست خارجی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. از یک سو، خودکفایی نفتی ممکن است سیاست خارجی را به سمت انزواگرایی همراه با تجدیدنظرطلبی هدایت کند و از سوی دیگر، اقتصادی شدن سیاست خارجی ناشی از سیاست های انرژی، برعکس، عامل مؤثری در اتخاذ سیاست خارجی برون گرایی و سیاست حفظ وضع موجود از سوی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۷). با آغاز تجاوز نظامی عراق به ایران در شهریور ماه ۱۳۵۹، بحران شدید دیگری بر بازار نفت حاکم شد و بار دیگر قیمت ها رو به افزایش گذاشت. جنگ سبب شد اوپک شاخص بهای نفت خود را تا ۳۲ دلار در هر بشکه افزایش دهد که البته اعضای سازمان عملاً مختار بودند بین ۴ تا ۹ دلار نفت خود را گران تر به فروش برسانند. در این زمان ایران بهای نفت خود را تا ۳/۷ دلار در هر بشکه افزایش داد.

سال های ۱۳۶۷-۱۳۶۹ که دوران بازسازی و اجرای برنامه اول و دوم توسعه بود، رشد نسبی سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز کشور انجام شد. با وجود نوسانات سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز، کشور بعد از جنگ تحمیلی، از سال ۱۳۷۲ روند سرمایه گذاری خود را با سیر صعودی به صورت مداوم تا سال ۱۳۷۶ حفظ نمود. اما در سال های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ (به جز اوایل ۱۳۷۸) ارزش سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز کاهش یافت. کاهش ۴۰ درصدی سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز (به قیمت های ثابت) در سال ۱۳۷۷ بسیار نگران کننده بود. با این وجود طی دوران مذکور، نرخ رشد سالیانه سرمایه گذاری ۱۵/۵ درصد بود که این رشد منجر به افزایش ظرفیت تولید نفت، نزدیک به ۴ میلیون بشکه در روز و افزایش سهم ایران در اوپک به میزان ۱۴ درصد شد. همچنین در زمینه تولید گاز طبیعی و محصولات عمده پتروشیمی، توفیقات قابل توجهی حاصل گردید، به طوری که سالانه گاز طبیعی به ۵۰ میلیارد متر مکعب و محصولات پتروشیمی به ۱۱/۸ میلیون تن افزایش یافت. ایران در فاصله سال های ۱۳۷۴ تا پایان ۱۳۸۲، مجموعاً ۱۸ قرارداد در قالب بیع متقابل برای توسعه بخش نفت و گاز امضاء کرد و از این طریق سرمایه های خارجی را جذب می کرد. در این مدت فقط در بخش بالادستی نفت ۴/۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری شد که در نوع خود

پیشرفت قابل توجهی می‌باشد، اما این پیشرفت سرمایه‌گذاری را در سال‌های ۱۳۸۴ به بعد نیز مشاهده می‌کنیم (ثقفی عامری، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

۱۱. نتیجه‌گیری

نتایج مطالعات این پژوهش حاکی از آن است که ژئوپلیتیک انرژی تأثیر بسزایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی، نظامی، اقتصادی داشته و مطالعات سایر افراد و محققان نیز گویای این مطلب است که موقعیت ژئوپلیتیک ایران باعث شده که بر رفتار سایر کشورها با ایران حتی رفتار ایران با کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از ژئوپلیتیک انرژی تأثیر پذیرد که این امر به معنای تأثیر انرژی چه از نوع سنتی آن یعنی نفت و گاز و چه شکل امروزی آن یعنی انرژی هسته‌ای بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

پس از پیروزی انقلاب پیوند میان نفت، رشد اقتصادی و تقویت نظامی به کلی قطع شد. چنان که پیش‌تر نیز آمد، در دیدگاه ژئوپلیتیک انقلابیون، توانمندی‌های نظامی در تأمین امنیت ملی نظام اعتبار چندانی نداشت و ایدئولوژی توانای اسلامی برای مقابله با قدرت‌های امپریالیستی و نفوذ در جهان اسلام بسنده می‌نمود. در این میان نفت نه به منزله ابزاری کارآمد جهت تقویت بنیه نظامی کشور و یا تسلط بر منطقه، بلکه همچون اهرمی علیه «استکبار جهانی»، مورد نظر قرار گرفت.

پس از جنگ تحمیلی، با درک نیاز کشور به بازسازی و توسعه، دولت هاشمی رفسنجانی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی را تنظیم نمود. در تمامی این برنامه‌ها، لزوم تغییر در ساختار اقتصادی ایران مورد توجه قرار گرفته بود. تأکید بر تعدیل ساختاری اقتصاد و کوچک‌سازی دولت، آزادسازی اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت و توسعه پایدار مهم‌ترین بخش‌های برنامه توسعه اقتصادی بودند که براساس دیدگاه‌های اقتصاد سرمایه‌داری و اندیشه لیبرالیسم اقتصادی پیگیری می‌شد.

— منابع —

۱. اطاعت، جواد؛ نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک نفت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات علم.
۲. اطاعت، جواد؛ نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک نفت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات علم.
۳. آقایی، سید داوود (۱۳۸۶). جایگاه اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست، دوره ۳۷، شماره ۳، ص ۱-۲۸.
۴. پوراحمدی، حسین؛ ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸). دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، ص ۵-۴۰.
۵. پوراردبیلی، کاظم (۱۳۸۹). تعامل تولیدکننده و مصرف‌کننده در اوپک. دانشکده مهندسی انرژی، دانشگاه صنعتی شریف.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۷. تحقیقی، ترانه (۱۳۸۸). مؤلفه‌های راهبردی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی.
۸. ثقفی عامری، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۹). ایران و سیاست نگاه به شرق. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی، چاپ پنجم.
۱۱. دبیرزاده، شهریار (۱۳۸۲). تأثیر گفتگوی تمدن‌ها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی. سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۱، ص ۲۳۹-۲۵۵.
۱۲. درایسدل، آلاسدایر؛ بلیک، جرالداچ (۱۳۷۰). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه دره میرحیدر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ چهارم.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست، شماره ۱۱، ص ۲۲۱-۲۴۵.
۱۴. رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۸). اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
۱۵. زیباکلام، صادق؛ اتفاق‌فر، فرشته سادات (۱۳۸۷). هاشمی بدون روتوش. تهران: نشر روزنه، چاپ سوم.
۱۶. قالیباف، محمدباقر؛ پورموسوی، سیدموسی (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه و سیاست خارجی ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶، ص ۱۸۰-۲۰۶.
۱۷. کاویانی، مراد؛ ویسی، هادی (۱۳۸۴). انتقال گاز ایران به جنوب و جنوب شرق آسیا (فرصت‌ها و چالش‌ها). در: مجموعه مقالات دومین کنفرانس انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۱۸. کریمی، غلامرضا (۱۳۸۵). جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های بین‌المللی. علوم سیاسی، شماره ۸۰، ص ۱۲۵-۱۵۰.
۱۹. کمپ، جفری؛ هارکاو، رابرت (۱۳۸۶). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه. ترجمه سید مهدی حسینی متین. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۰. کوپر، آندرواسکات (۱۳۸۷). راند آخر در دوحه: معامله نفتی محرمانه‌ای که به سقوط شاه یاری رساند. ترجمه احسان نوروزی. *هفته نامه ایران در جهان*، آذرماه.
۲۱. کوهن، ساموئل (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی. ترجمه عباس کاردان. تهران: کتاب مرجع.
۲۲. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). سه ضلعی نفت - سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. در: مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۳. مهدیان، حسین؛ فخری، سیروس (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت غرب. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۴، شماره ۴، ص ۶۴-۴۵.
۲۴. موسوی، رضا (۱۳۸۷). اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی. *راهبرد*، شماره ۴۷، ص ۱۸۹-۲۱۶.
۲۵. یعقوبی، سید محمد؛ قالیباف، محمدباقر؛ محمودی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی. *ژئوپلیتیک*، سال دهم، شماره ۳، ص ۵۶-۷۵.
26. Henry, Tricks (2018). **The new power superpowers Clean power is shaking up the global geopolitics of energy**. In: the Special report section of the print edition under the headline The new power superpowers.
27. Taylor, P. (1994). **Political Geography**. England: Longman Scientific & Technical.

References

1. Aghaee, S.D. (2007). The position of the European Union in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Political*, Vol.37, No.3, P.1-28. [In Persian]
2. Camp, J. & Harkawy, R. (2007). **Strategic geography of the Middle East**. Translated by Seyed Mehdi Hosseini Matin. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
3. Cohen, S. (2008). **The geopolitics of the world system**. Translated by A. Kardan. Tehran: Reference book. [In Persian]
4. Cooper, A. S. (2008). The last round in Doha: A secret oil deal that helped the Shah fall. Translated by E. Norouzi. *Iran Weekly in the World*, December Number. [In Persian]
5. Dabirzadeh, Sh. (2003). The Impact of the Dialogue of Civilizations on the Foreign Policy of the Islamic Republic. *Foreign Policy Quarterly*, Year 17, No.1, P.239-255. [In Persian]
6. Dehghani Firoozabadi, S.J. (2009). National Resources of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Politics*, No. 11, P. 221-245. [In Persian]
7. Drissdell, A. & Blake, G.H. (1991). **Political Geography of the Middle East and North Africa**. Translated by Mir Haidar Valley. Tehran: Office of Political and International Studies, Fourth Edition. [In Persian]
8. Etaat, J. & Nosrati, H.R. (2013). **Geopolitics of oil and foreign policy of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Alam Publications. [In Persian]
9. Etaat, J. & Nosrati, H.R. (2013). **Geopolitics of oil and foreign policy of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Alam Publications. [In Persian]
10. Hafizunia, M.R. (2000). **Fundamentals of socio-political studies**. Qom: Organization of seminaries and seminaries abroad. [In Persian]
11. Hafizunia, M.R. (2018). **Geopolitical principles and concepts**. Mashhad: Papli Publications, fifth edition. [In Persian]

12. Henry, Tricks (2018). **The new power superpowers Clean power is shaking up the global geopolitics of energy**. In: the Special report section of the print edition under the headline The new power superpowers.
13. Karimi, Gh. (2006). The Islamic Republic of Iran and International Organizations. *Political Science*, No.80, P.125-150. [In Persian]
14. Kaviani, M. & Weiss, H. (2005). **Transfer of Iranian gas to South and Southeast Asia (opportunities and challenges)**. In: Proceedings of the Second Conference of the Iranian Geopolitical Association. P. 298-320. [In Persian]
15. Mehdiان, H. & Fakhri, S. (2012). Iran's energy geopolitics and Western security. *Human Geography Research*, Vol.44, No.4, P. 45-64. [In Persian]
16. Mottaqi, I. (2010). **Oil Triangle - Foreign Policy and International Policy**. In: Proceedings of the National Conference on Oil and Foreign Policy. Tehran: Strategic Research Center. [In Persian]
17. Mousavi, R. (2008). The Foreign Policy Priority of the Islamic Republic of Iran during the Construction Period. *Strategy*, No.47, P. 189-216. [In Persian]
18. Poor Ardabili, K. (2010). **Presentation on Producer-Consumer Interaction in OPEC**. Faculty of Energy Engineering, Sharif University of Technology. [In Persian]
19. Poorahmadi, H. & Zolfaghari, M. (2009). Energy diplomacy and national interests of the Islamic Republic of Iran. *Political Science*, 5(1), P. 5-40. [In Persian]
20. Qalibaf, M.B. & Pourmousavi, S.M. (2008). The New Geopolitics of the Middle East and Iran's Foreign Policy. *Human Geography Research*, No.66, P. 180-206. [In Persian]
21. Razzaqi, I. (2009). **Iran's economy**. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
22. Saghafi Ameri, N. & Ahadi, A. (2010). **Iran and the Politics of Looking East**. Tehran: Strategic Research Institute,
23. Tahghighi, T. (2009). **Strategic Components in Foreign Policy Development of the Islamic Republic of Iran**. Master Thesis. Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University. [In Persian]
24. Tajik, M.R. (2004). **Foreign Policy in the Field of Lack of Decision and Planning**. Tehran: Farhang Gofman Publications. [In Persian]
25. Taylor, P. (1994). **Political Geography**. England: Longman Scientific & Technical.
26. Yaghoubi, S.M., Qalibaf, M.B. & Mahmoudi, A. (2014). Geopolitical explanation of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf region based on fossil fuels. *International Geopolitical Quarterly*, Vol. 10, No. 3, P. 56-75. [In Persian]
27. Ziba Kalam, S. & Etefaqfar, F.S. (2008). **Hashemi without Retouching**. Tehran: Rozaneh Publishing, Third Edition. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2021.1913513.1269

حسین مسعودی‌پور، حسین؛ کریمی‌فرد، حسین؛ یوسفی، بهرام؛ اکبرزاده، فریدون (۱۴۰۰). ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران در دهه ۷۰. سیهر سیاست، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۱۰۳-۱۲۲.